

برنامه‌ی آموزش حرفه‌ای برای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی از دیدگاه والدین

سید علی صمدی / دانشگاه آستر - ایرلند شمالی

چکیده

انتخاب شده برای آموزش حرفه به دانش‌آموزان کم-توان ذهنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. میزان اشتراک دیدگاه والدین در مورد اهداف و برنامه‌های آموزش حرفه‌ای در یک مرکز خصوصی در تهران مورد بررسی قرار گرفته شده است. این بررسی با توجه به نوع شغل انتخاب شده، روش انتخاب شده برای آموزش حرفه، طول مدت دوره آموزش، فعالیت‌های فوق برنامه در نظر گرفته شده و نیز ترکیب کارگاه‌های آموزش حرفه و با توجه به نوع اختلال هوشی دانش‌آموزان، انجام شده است.

کارگاه حرفه‌آموزی که بررسی پیش‌رو در آن انجام شد صنایع دستی (ساخت موزائیک) را به عنوان حرفه اصلی دانش‌آموزان خود انتخاب کرده بود. به عبارت دیگر برنامه ریزان بر فعالیت‌های تکراری و ساده تأکید داشتند. فعالیت‌های فوق برنامه دانش‌آموزان تمرینات ورزشی و بازی فوتبال بود. طول دوره برنامه آموزشی یک سال کامل (۱۲ ماه) در نظر گرفته شده بود و در کارگاه حرفه‌آموزی دانش‌آموزان دارای اختلالات مختلف در کنار یکدیگر به فعالیت مشغول بودند. این اختلالات شامل نشانگان داون، فلج مغزی همراه با ناتوانایی هوشی و اختلالاتی مانند کمی توجه و بیش‌فعالی با کم‌توان ذهنی و ... بود.

هدف مطالعه انجام شده نشان دادن میزان توافق والدین با اهداف در نظر گرفته شده برای برنامه آموزش حرفه‌ای در این مرکز خصوصی بود.

غالباً دیدگاه والدین در مورد برنامه‌های آموزش حرفه برای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی مورد پرسش قرار گرفته نمی‌شود. در این مطالعه که با استفاده از یک طرح ترکیبی روش کمی و کیفی انجام شده است. دیدگاه والدین در مورد برنامه آموزش حرفه‌ای در یک مرکز خصوصی مورد پرسش و بررسی قرار گرفته شده است. این پژوهش به صورت آزمایشی بر روی ۵ نفر از والدین اجرا شده است و نتایج حاصل نشان دهنده عدم توافقی کلی میان خواسته و تمایلات والدین و برنامه آموزشی حرفه‌ای در مرکز مورد بررسی است. تنها نکته مورد توافق در نظرگیری فعالیت‌های ساده و تکراری به عنوان حرفه‌ای مناسب برای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و نیز افزایش میزان حضور این گروه از دانش‌آموزان در برنامه‌های اجتماعی و مکان‌های عمومی به صورت مستقل است.

مقدمه

این بررسی به دنبال کشف دیدگاه والدین نسبت به اهداف در نظر گرفته شده برای برنامه توان‌بخشی و آموزش حرفه‌ای در یک مؤسسه خصوصی حرفه‌آموزی وابسته به بهزیستی در ایران انجام شده است. والدین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اعضای گروه استفاده‌کننده از برنامه‌های آموزش حرفه‌ای در نظر گرفته می‌شوند، بنابراین شناسایی دیدگاه و نقطه نظرهای آنان در ارتباط با اهداف و برنامه‌های

ضرورت انجام این مطالعه

نیازمندی به وجود توافق میان گروه‌های و افراد مختلف درگیر در تعیین سیاست‌های کلی و اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی و توان‌بخشی بحث و جدل‌های مختلفی را سبب شده است. بحث بر سر این مسئله به قصد پاسخ‌گویی به این سوال انجام می‌شود که آیا توافق عمومی میان تمامی افراد و گروه‌هایی که به نحوی در انتخاب اهداف و اجرای برنامه‌ها نقش دارند برای نیل به اهداف برنامه‌ریزان و سرمایه‌گذاران ضروری است یا خیر (هاکیم^۱ و وینلات^۲، ۱۹۹۳).

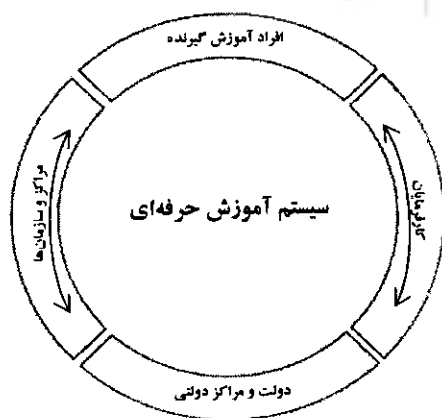
پیش از بررسی پاسخ‌های مختلف ارایه شده به این سوال لازم است که برنامه توان‌بخشی حرفه‌ای مورد بررسی و شناسایی دقیق‌تری قرار گیرد. آموزش حرفه‌ فعالیت‌گروهی است. این جمله برای دانش‌آموزان کم توان ذهنی مفهوم گسترده‌تری دارد. به عبارت دیگر اعضای گروه برنامه آموزش حرفه‌ای مجموعه‌ای هستند متشکل از متخصصان مختلفی مانند کاردرمانگر، متخصصان آموزش‌های ویژه و متخصصان حرفه‌ها و مشاغل مختلف موجود در اجتماع می‌باشد. هر یک از این افراد نقش مهم و کلیدی در برنامه آموزش حرفه‌ای دارند. طبیعی است که هر یک از این افراد دیدگاه‌های خاص خود را دارند و اهداف مختلفی را برای برنامه آموزش حرفه‌ای و برون‌دادهای حاصل از آن دنبال می‌کنند.

یکی از اعضای مهم این برنامه سرمایه‌گذاران هستند که آنان نیز اهداف خاص خود را در این زمینه دنبال می‌کنند. از دید تعدادی از این افراد موفقیت در برنامه آموزش حرفه‌ای زمانی به دست می‌آید که "به اشتغال" به عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف برنامه آموزش حرفه‌ای در انتهای برنامه به دست آید

(فیندلی^۳، ۱۹۶۷) در حالی که گروه دیگری از افراد درگیر در برنامه افزایش توانمندی‌های حرکتی افراد و رفع محدودیت‌های جسمی آنان را به عنوان هدف برنامه در نظر داشته باشند (آرلی^۴، ۲۰۰۰) در حالی که گروه دیگری ممکن است بر کفایت‌های اجتماعی تأکید داشته باشند. هاکیم (۱۹۹۳) در بررسی خود متوجه شد که افراد و گروه‌های مختلفی که در برنامه‌های آموزش حرفه‌ای درگیر هستند اهداف مختلف و متفاوتی را در نظر دارند و تفاوت در اهداف در نظر گرفته شده گاه توافق بین این افراد را دشوار می‌کند. یکی از این تفاوت‌ها میان دیدگاه والدین و برنامه‌ریزان است. گروه‌های مختلفی که در برنامه آموزش حرفه‌ای و به اشتغال افراد نقش اصلی را دارند و نیز نحوه ارتباط این افراد و گروه‌ها با یکدیگر، در نمودار ۱ توضیح داده شده است.

به اعتقاد فینلی (۱۹۹۸) قدرت اثرگذاری و تصمیم‌گیری باید میان این بخش‌ها بطور مساوی میان این چهار گروه از افراد سهامدار تقسیم شود. هر نوع عدم تساوی باعث ایجاد کم شدن حق و اثر سایر گروه‌ها خواهد شد. این سهامداران در جدول ۱ به طور مشخص‌تری نشان داده شده‌اند.

۱- نحوه ارتباط میان گروه‌ها در برنامه آموزش حرفه‌ای



برنامه‌های آموزش حرفه‌ای مبتنی بر جامعه^۷ نیز نقش مهمی ایفاء کنند. حمایت والدین برای موفقیت برنامه‌های آموزش حرفه‌ای که در مدارس اجرا می‌شود، ضروری است (لاولی، ۱۹۹۸).

بررسی‌های جدیدی نیز بر نقش والدین در برنامه‌ریزی و اجرای آموزش مهارت‌های حرفه‌ای تأکید داشته و برای این پیشنهاد دلایل مختلفی نیز بیان شده است.

یکی از مهم‌ترین دلایل توانایی والدین در شناسایی نیازهای فرزندانشان است. زیرا آنان بیشترین زمان را با فرزندانشان سپری می‌کنند (جاب، ۱۹۹۳). مشارکت والدین در برنامه‌های مربوط به آموزش حرفه دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه باید با دقت و هماهنگی بیشتری انجام شود. والدین این دانش‌آموزان نشان داده‌اند که قادرند در برنامه‌های مربوط به فرزندانشان سهم بیشتری را به عهده گیرند. آنان تا کنون نشان داده‌اند که در برنامه مربوط به انتقال از مدرسه به محیط‌های کارگاهی می‌توانند نقش بیشتری داشته باشند زیرا فعالیت‌های مربوط به آمادگی برای کار، حمایت از آموزش‌های حرفه‌ای از طریق تعامل با مدرسه و نیز ایجاد رفتارهای مربوط به ارزش‌گذاری از کار و فعالیت‌های حرفه‌ای توسط آنان به خوبی انجام شده است (وی و رازمن، ۱۹۹۶). لمن (۱۹۹۸) دریافت که مادران دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های مختلف ارتباطی، هوشی و حسی در زندگی و فعالیت‌های فرزندانشان نقش اساسی ایفاء می‌کنند و با گذشت زمان نه تنها نقش آنان کم رنگ‌تر نمی‌شود بلکه در مقایسه با مادران دانش‌آموزان فاقد ناتوانی و معلولیت، انگیزه‌های بیشتری برای حمایت از فعالیت‌های فرزندانشان از خود نشان می‌دهند.

جدول ۱. تعدادی از افرادی که در برنامه آموزش حرفه‌ای نقشی دارند و به عنوان سهامداران برنامه خوانده می‌شوند. (به نقل از فیلی ۱۹۹۸)

کارفرمایان	دولت	مراکز	افراد
صاحبان کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و صنایع کوچک و بزرگ	دولت مرکزی	مراکز و کارگاه‌های آموزشی، مدارس	دانش‌آموزان
بخش عمومی و صاحبان کارگاه‌ها	برنامه ریزان دولتی در سطح سازمانی	مدارس ویژه	مربیان
بخش خصوصی	مراکز و سازمان‌هایی که از جانب دولت حمایت می‌شوند	سازمان‌های آموزش دهنده والدین	

والدین و برنامه‌های آموزش حرفه

هرچند والدین به عنوان یکی از منابع قابل اطمینان و مهم شناسایی توانمندی‌های بالقوه دانش‌آموزان کم توان ذهنی در نظر گرفته می‌شوند، اما به طور سنتی همیشه خارج از دایره آموزش‌های رسمی و برنامه‌ریزی مربوط به فرزندانشان بوده‌اند (لاولی^۵، ۱۹۹۸). برنامه‌ریزان آموزش حرفه باید والدین را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه توان‌بخشی حرفه‌ای برای دانش‌آموزان کم توان ذهنی درگیر کنند (وارشینگ و دیگران، ۱۹۸۶). راترفورد^۶ و دیگران (۱۹۹۵) در بررسی‌های خود دریافتند که والدین می‌توانند حلقه اتصال مناسبی میان برنامه‌های آموزشی و جامعه باشند و نظرسنجی‌ها و مصاحبه‌های انجام شده از والدین نشان داد که آنان می‌توانند نقش فعال و مناسبی در جایگزینی فرزندانشان در جامعه ایفاء کنند. آنان می‌توانند به عنوان داوطلب در

آموزش حرفه برای دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های ویژه در ایران

هرچند برنامه آموزش حرفه‌ای و به کارگماری افراد مبتلا به ناتوانی‌های ویژه در کشورهای مختلف در حال توسعه است (فرانک^۱ و سینگلتون^۲، ۲۰۰۰)، این بخش در ایران نیازمند بررسی و توجه بیشتری است. علاوه بر مشکلات مربوط به شیوه‌های آموزش و تعیین نیازمندی‌های دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه، سازمان بهزیستی در گزارشی (۱۳۷۹) ۶۸ مانع موجود بر سر راه اشتغال افراد معلول و بیکاری عمده این گروه را بر شمرده است. در میان این موانع می‌توان به موارد مشخصی مانند عدم آگاهی اجتماعی، پیش‌داوری کارفرمایان، ضعف و ناتوانی شیوه‌های آموزش حرفه و ... اشاره کرد.

قطعاً برای آموزش حرفه‌ای این گروه هزینه‌های عمده‌ای سرمایه‌گذاری می‌شود و هزینه این سرمایه‌گذاری‌های سنگین برای جامعه از دو دیدگاه قابل بررسی است؛ نخست از نظر منابع تخصیص یافته و دیگر از نظر هزینه فرصت‌های از دست رفته (گروور، ۱۹۹۱). در بررسی‌های انجام شده در آمریکا نشان داده شده است که هزینه سالیانه این برنامه‌ها به بیش از دو میلیارد دلار می‌رسد (گزارش سالیانه برنامه امنیت اجتماعی، ۱۹۸۰ به نقل از گروور، ۱۹۹۱). متأسفانه آمار دقیقی از هزینه‌های صرف شده در این مورد در ایران وجود ندارد.

سازمان آموزش و پرورش استثنایی مسئولیت آموزش حرفه‌ای افراد مبتلا به ناتوانی‌های ویژه را در ایران بر عهده دارد (به نقل از گزارش دفتر حمایت سازمان آموزش و پرورش، ۱۳۶۶). هر چند کوشش‌های فراوانی در سازمان آموزش و پرورش استثنایی انجام می‌شود، اما در بررسی‌های انجام شده

مشخص شد که برنامه آموزش حرفه‌ای در مراکز مختلف تهران و شهرستان‌ها اکثراً بدون توجه به ضروریات جامعه و نیازمندی‌های این دانش‌آموزان انتخاب شده و آموزش داده می‌شوند. برنامه‌های مربوط به آموزش حرفه‌ای در سه سال دوره مهارت‌ها به دانش‌آموزان ارایه می‌شود (بهراد و شهرامی، ۱۳۷۹) (البته در حال حاضر با توجه به فراهم آمدن امکان تحصیل در مقطع متوسطه برای این گروه از دانش‌آموزان و تغییر نام و محتوای دوره مهارت‌ها به دوره پیش حرفه امیدواری بیشتری مشاهده می‌شود).

مراکز خصوصی برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های مربوط به آموزش حرفه‌ای خود کمتر از نظر والدین استفاده می‌کنند. در حالی که پژوهش‌های غیر ایرانی فراوانی که در متن به تعدادی از آنها اشاره شد اهمیت نقش و دیدگاه والدین در این برنامه‌ها را مشخص کرده‌اند، در ایران پژوهشی در این باره انجام نشده است و بررسی‌های انجام شده نشان داد که در زمینه خاصی مانند دیدگاه والدین نسبت به اهداف در نظر گرفته شده برای برنامه آموزش حرفه‌ای نیازمند پژوهش قابل ارایه و مشخصی به ثبت نرسیده است.

اهداف در نظر گرفته شده توسط یک مؤسسه خصوصی توان‌بخشی حرفه‌ای:

هرچند اهداف آموزش حرفه‌ای در مرکز مورد بررسی به طور مکتوب تدوین نشده‌اند، اما با توجه به فعالیت‌های در حال انجام و تاکید برنامه‌های آموزش حرفه‌ای در حال اجرا می‌توان اهداف زیر را از دل فعالیت‌ها استنباط نمود.

۱. فعالیت‌های ساده خصوصاً صنایع دستی به عنوان

سوالات پژوهش

- سوالات پژوهشی که با استفاده از آنها قصد بررسی میزان توافق بین دیدگاه والدین و اهداف در نظر گرفته شده در این مرکز آموزش حرفه‌ای خصوصی وجود داشت عبارت بودند از:
۱. دیدگاه والدین در مورد برنامه‌های آموزش حرفه‌ای در این مرکز خاص چیست؟
 ۲. از نظر والدین برای برنامه‌های آموزش حرفه‌ای چه اهدافی باید در نظر گرفته شوند؟
 ۳. اهداف والدین و مؤسسه مورد نظر چه وجوه اشتراکی دارند؟
 ۴. یافته‌ها در مورد اثر بخشی برنامه‌های آموزش حرفه‌ای جاری در مؤسسه مورد نظر چه چیزهایی را نشان می‌دهند؟

سازمان آموزش و پرورش استثنایی
مسئولیت آموزش حرفه‌ای افراد مبتلا به
نا توانایی‌های ویژه را در ایران بر عهده دارد

سؤال یک در پرسشنامه تهیه شده دیدگاه والدین نسبت به برنامه‌های آموزش حرفه‌ای را در کل بیان می‌کند در حالی که سؤالات ۲ و ۳ مستقیماً در ارتباط با اهداف مطالعه مورد نظر طراحی شده‌اند. سؤال ۴ نیز به منظور دریافت پیشنهاداتی برای تغییر در برنامه طراحی شد.

ملاحظات اخلاقی

پس از آنکه اطلاعات کلی در مورد پژوهش و اهداف آن به والدین ارائه شد فرم‌های موافقت شرکت در این مطالعه توسط آنان به امضاء رسید. به والدین اطلاع داده شد که نتایج حاصل از این مطالعه

حرفه مناسب برای این گروه از دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است (این انتخاب در توافق با یافته‌های فیندلی، ۱۹۶۷ می‌باشد).

۲. تحلیل تکلیف بر گرفته از دیدگاه رفتاری و خرد کردن یک فعالیت به گام‌های تشکیل دهنده آن به عنوان روش آموزشی مناسب برای این گروه از کودکان در نظر گرفته شده است.

۳. دانش‌آموزان بدون توجه به نوع اختلال و سطح توانمندی شان در یک کارگاه قرار داده شده‌اند. علت این امر پیروی از نظریه یا دیدگاهی خاص نیست بلکه توجه به بار مالی موضوع جدا سازی و در نظر گیری مسایل اقتصادی عاملی برای این موضوع است.

۴. طول دوره آموزشی در حال حاضر ۱۲ ماه (یکسال) است و دانش‌آموزان باید در طی این زمان کل گام‌های مورد نیاز برای اتمام فعالیت را یاد بگیرند.

۵. هدف اصلی برنامه آموزشی انتقال مسئولیت‌های اصلی به والدین در زمان اتمام برنامه‌های آموزش حرفه‌ای (پس از یکسال) می‌باشد (مطابق با دیدگاه رادرفورد^{۱۱} و دیگران، ۱۹۹۵ و لیولی^{۱۱} ۱۹۹۸).

۶. بر اساس هدف ذکر شده پیشین، درگیر کردن والدین در امر آموزش و نظارت بر اجرای برنامه و حضور در مرکز از اولویت‌های مرحله آموزش می‌باشد.

۷. هدف نهایی برنامه آموزش حرفه‌ای استقلال نسبی دانش‌آموزان و توانایی کسب درآمد از محصولات تولیدی می‌باشد.

۸. فعالیت‌های اجتماعی مانند حضور در مراکز و مجامع عمومی به عنوان هدف اصلی فعالیت‌های فوق برنامه مورد نظر بوده است.

پس از آن در یک جلسه مصاحبه شرکت کردند (گام ۲)



عکس از: طاهره صفری

گام یک

پرسشنامه مرکب از ۱۲ سوال بسته پاسخ بود و ویژگی‌های زیر را دارا بود:

۱. سؤالات ۱ تا ۳ در ارتباط با حرفه‌های مناسب از نظر والدین در پرسشنامه گنجانیده شد.
۲. سؤال ۴ تا ۱۰ در ارتباط با دوره‌های آموزش حرفه‌ای جاری در مؤسسه مورد نظر، محیط کارگاه‌های آموزشی و پیشنهاداتی در مورد تغییرات مورد نظر از دیدگاه والدین پرسیده شد.
۳. سؤال ۱۱ در ارتباط با نقش‌های متفاوتی بود که والدین می‌توانند در برنامه آموزش حرفه‌ای ایفاء کنند.
۴. سؤال ۱۲ در ارتباط با برون‌داد برنامه‌های آموزش حرفه‌ای از نظر والدین مطرح شده بود.

پرسشنامه در هنگام عصر و در حالی که والدین به کارگاه آموزشی حرفه‌ای برای بردن فرزندان خود مراجعه می‌کردند به آنان داده شد.

گام دو

مصاحبه با والدین گام دوم از این مطالعه بود. این بخش به دلیل کسب اطلاعات بیشتری از والدین

الزاماً به تغییرات مورد نظر آنان در برنامه‌های آموزش حرفه‌ای منجر نخواهد شد و تنها برای اطلاع پژوهشگر مفید خواهد بود.

عدم آرایه نام والدین به افراد و نامشخص بودن هویت آنان برای مؤسسه آموزش دهنده فرزندان آنان به والدین تضمین داده شد. این امر به دلیلی نگرانی والدین از اخراج فرزندانشان در صورت اطلاع از عدم رضایت احتمالی والدین به آنان داده شد. در نهایت به والدین وعده داده شد که نظر آنان به طور کل و بدون ذکر نام به مسئولین مؤسسه آموزش حرفه‌ای مورد نظر آرایه داده خواهد شد.

روش انجام پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش آمیخته (کمی و کیفی) انجام شد. مصاحبه‌ای با والدین انجام شد و پرسشنامه بسته پاسخی به آنان نیز داده شد تا به سؤالات ذکر شده در آن پاسخ دهند. روش کیفی اطلاعات مفیدی به منظور بررسی دیدگاه والدین در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد و دنیا را آنگونه که توسط مشاهده‌گر ساختار می‌یابد آشکار می‌کند (برایمن^{۱۲}، ۱۹۸۸) استفاده از روش کیفی به پژوهشگر امکان کشف دنیای افراد مورد مطالعه و دانستن آنچه که برای آنان مهم است، آرایه می‌دهد. این شیوه استقرایی^{۱۳}، ساختگرا^{۱۴} و تفسیری^{۱۵} است. در بخش کیفی سعی بر این است که به این سؤال جواب داده شود که چرا افراد به شیوه خاصی به پرسشنامه پاسخ داده‌اند.

ابزارهای جمع آوری داده‌ها

در این مطالعه تأکید بر والدین است. آنان به یک پرسشنامه بسته پاسخ جواب می‌دهند (گام یک) و

ج) جایگاه والدین در برنامه‌های توان‌بخشی حرفه‌ای (د) برون داد مناسب برنامه‌های آموزش حرفه‌ای از نظر والدین.

در هر بخش فراوانی پاسخ‌های علامت زده شده توسط والدین تعیین شد. یکی از گزینه‌های دیدگاه موسسه مورد نظر در مورد سؤال پرسیده شده از والدین را منعکس می‌کرد. بنا بر این درصد والدینی که آن گزینه را علامت زده بودند به عنوان موافقت با برنامه و اشتراک دیدگاه والدین با موسسه در نظر گرفته شد.

برون داد حاصل از مصاحبه دو بار توسط کار درمانگر و مدکار مرکز که از این مطالعه اطلاعی نداشتند به طور جداگانه بر اساس محتواهای در نظر گرفته شده برای پاسخ والدین به سؤالات پرسیده شده در مصاحبه طبقه‌بندی شدند. به این منظور کلمات مشترک و محتوای هر یک از سؤالات مورد تشخیص قرار گرفتند و گفته‌ها و درخواست‌های والدین در زیر طبقه‌های در نظر گرفته شده، قرار گرفتند. طبقه‌بندی دوباره گفته‌ها و نظریات والدین به منظور افزایش اعتبار جایگزینی نظریات والدین انجام شد.

نتایج

جدول ارایه شده نشان دهنده نتایج حاصل از بررسی انجام شده است. در این جدول هر خانه نشان دهنده فراوانی و درصد پاسخ‌های ارایه شده به آن سوال خاص است. علامت ستاره (*) نشان دهنده شیوه رایج آموزش حرفه‌ای در موسسه مورد بررسی است.

در ردیف نخست الف، ب، ج و د نشان دهنده گزینه‌های موجود در هر سوال است.

انجام شد و برای حمایت از داده‌های کمی بدست آمده از پرسشنامه بسته پاسخ به پژوهش اضافه شد. مصاحبه به مدل نیمه ساختار (ساتلر^{۱۶}، ۱۹۹۲ ص ۴۳۲ - ۴۲۹). دیدگاه والدین در مورد برنامه‌های آموزش حرفه‌ای، پیشنهادها، مربوط به بهبودی برنامه‌ها و سایر پیشنهادها آنان در نظر گرفته شد. مصاحبه در ضمن انجام به طور مکتوب ثبت می‌شد (یادداشت برداری).

نمونه

نمونه این مطالعه جمعیتی شش نفره از والدین دانش‌آموزان کم توان ذهنی بودند (۳ پدر و ۳ مادر). یکی از مادران دو فرزند کم توان ذهنی در این کارگاه آموزشی داشت. والدین پرسشنامه را در خانه پر کردند. این امر به این دلیل انجام شد تا زمان مناسبی برای پر کردن پرسشنامه و تفکر در مورد سؤالات به والدین داده شود.

مصاحبه با همان گروه از والدینی که پرسشنامه‌ها را پر کرده بودند انجام شد. محل انجام مصاحبه طبقه دوم کارگاه آموزش حرفه‌ای بود و محل مصاحبه به اندازه کافی آرام و راحت بود که آنان بتوانند بدون عوامل مزاحم در مصاحبه شرکت کنند. این مصاحبه‌ها ۲ روز پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها انجام شد.

تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد پرسشنامه شامل ۴ بخش بود
الف) حرفه مناسب برای دانش‌آموزان کم توان ذهنی
ب) وضعیت برنامه‌های جاری آموزشی از نظر والدین

آموزش حرفه ای جاری در موسسه (تحلیل تکلیف و استفاده از دیدگاه رفتاری) را مناسب‌ترین روش برای آموزش حرفه می‌داند. اما هیچ یک از والدین با این باور همراه و موافق نیستند. ۳۳/۳٪ تصور می‌کنند که برنامه فعلی خوب نیست و ۶۶/۶٪ از آنها معتقد هستند که برنامه نیازمند تغییرات اساسی است. ۶۶/۶٪ از والدین تصور می‌کنند که برنامه آموزش حرفه ای زمانی موفق است که کودکان را برای حضور در اجتماع و انجام فعالیت‌های اجتماعی آماده کند. تنها ۱۶/۶٪ از آنان با مؤسسه مورد نظر هم عقیده هستند که برنامه آموزش حرفه‌ای زمانی موفق است که فرد را برای استقلال نسبی اقتصادی آماده می‌کند. ۱۶/۶٪ از آنان معتقد هستند که اهمیت به ابعاد شناختی و افزایش توانایی‌های شناختی دانش‌آموزان در پایان برنامه‌های آموزش حرفه‌ای می‌تواند دلیلی بر موفقیت برنامه‌های آموزشی باشند. در برابر سؤال "چه زمانی می‌توان یک برنامه آموزش حرفه‌ای را به انجام رسیده و تمام شده فرض کرد؟" سؤال ۸ نشان دهنده این است که نکته‌ای دیگر از عدم توافق میان والدین و مؤسسه مورد نظر در اینجا خود را نشان می‌دهد. مؤسسه معتقد است که زمانی برنامه آموزش حرفه‌ای به سرانجام رسیده است که دانش‌آموز کلیه گام‌های یک حرفه را یاد گرفته و بر آن مسلط شده باشد. تنها ۱۶/۶٪ از والدین با این اعتقاد همراه هستند. ۵۰٪ از آنها معتقد هستند که هرگاه دانش‌آموز بتواند بر اساس توانایی خود حرفه انتخاب شده را در سطح رضایت‌بخشی انجام دهند می‌توان برنامه آموزش حرفه‌ای را تمام شده و به سرانجام رسیده در نظر گرفت. در مؤسسه مورد نظر سعی بر این است که والدین در نقش مربی، ناظر و مدیر برنامه‌های آموزش حرفه‌ای به کار گمارده

	الف	ب	ج	د
سوال ۱	٪۰	٪(۴) ۶۶/۶	٪(۲) ۳۳/۳*	٪۰
سوال ۲	٪(۳) ۵۰*	٪(۱) ۱۶/۶	٪۰	٪(۲) ۳۳/۳
سوال ۳	٪۰*	٪۰	٪(۴) ۶۶/۶	٪(۲) ۳۳/۳
سوال ۴	٪۰*	٪۰	٪(۴) ۶۶/۶	٪(۲) ۳۳/۳
سوال ۵	٪۰	٪(۱) ۱۶/۶	٪۰	٪(۵) ۸۳/۳*
سوال ۶	٪(۳) ۵۰	٪(۳) ۵۰	٪۰	٪۰*
سوال ۷	٪(۱) ۱۶/۶*	٪(۴) ۶۶/۶	٪۰	٪(۱) ۱۶/۶
سوال ۸	٪(۱) ۱۶/۶*	٪۰	٪(۲) ۳۳/۳	٪(۳) ۵۰
سوال ۹	٪(۲) ۳۳/۳	٪۰	٪۰	٪(۴) ۶۶/۶*
سوال ۱۰	٪(۱) ۱۶/۶	٪(۵) ۸۳/۳*	٪۰	٪۰
سوال ۱۱	٪(۴) ۶۶/۶	٪۰	٪(۲) ۳۳/۳	٪۰*
سوال ۱۲	٪(۶) ۱۰۰	٪۰	٪۰	٪۰

سؤالات شماره ۱ تا ۳ بر آموزش حرفه‌های مناسب برای دانش‌آموزان کم توان ذهنی از نظر والدین تأکید دارد. در مؤسسه مورد بررسی صنایع دستی به عنوان حرفه مناسب به منظور آموزش به این گروه از دانش‌آموزان انتخاب کرده است. اما والدین در این دید با مؤسسه موافق نیستند. از نظر آنان فعالیت‌هایی که بر مونتاز تأکید دارد در مقایسه با صنایع دستی (از جمله ساخت موزائیک تزئینی از قطعات سنگ) در اولویت هستند. اکثر آنان (۶۶/۶٪) معتقد هستند که حرفه انتخاب شده فعلی مناسب نیست و بهتر است تغییر کند. ۵۰٪ از والدین با مؤسسه مورد نظر موافق هستند و تصور می‌کنند کارهای ساده و تکراری بهترین حرفه برای آموزش دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی است و ۳۳/۳٪ از آنها معتقد هستند که فرزندانشان با نظارت و آموزش صحیحی قادر به انجام اغلب حرفه‌های رایج در جامعه هستند.

در سؤالات ۴ تا ۱۰ دیدگاه والدین در ارتباط با برنامه آموزشی جاری کارگاه آموزشی مورد نظر مورد بررسی قرار داد. مؤسسه مورد نظر برنامه

- شوند. پاسخ‌های ارایه شده به سوال ۱۱ نشان می‌دهد که والدین خود را از مسئولیت‌های در نظر گرفته شده برای آنان توسط مؤسسه دور می‌بینند و مایل نیستند در چنین قالبی با برنامه‌های آموزش حرفه‌ای درگیر باشند. ۶۶/۶٪ آنها تنها می‌خواهند از طریق حضور در جلسه‌های منظم در برنامه‌های آموزش حرفه‌ای درگیر باشند. توافقی عمومی بین والدین در مورد افزایش دوره آموزش حرفه‌ای از یکسال به دو سال وجود دارد، اما برنامه آموزش حرفه‌ای در این مرکز برای یکسال در نظر گرفته شده است. سؤالات شماره ۵ و ۱۰ نشان دهنده موارد معدود موافقت بین والدین و مؤسسه مورد نظر است. میزان این توافق ۸۳/۳٪ است. توافق در این است که برنامه‌های در نظر گرفته شده برای فعالیت‌های فوق برنامه دانش‌آموزان باید استقلال نسبی آنان را از طریق فعالیت‌هایی مانند رفتن به پیک نیک، حضور در مجامع عمومی مانند رستوران‌ها و پارک‌ها افزایش دهد. هر دو بخش (والدین و مؤسسه) معتقد هستند که فعالیت‌های فوق برنامه باید بر فعالیت‌های اجتماعی تاکید داشته باشند. نتایج مصاحبه براساس محتوا در طبقه‌بندی زیر قرار می‌گیرد؛
- **تشکر از کوشش‌های انجام شده توسط مؤسسه مورد نظر**
به عنوان یک سنت ایرانی، بخش قابل توجهی از گفتار والدین در ارتباط با تشکر و قدردانی از فعالیت‌های انجام شده توسط مؤسسه مورد نظر بود (۱۰۰٪) اما آنان معتقد بودند که این تنها آغاز راه است و مؤسسه باید اهداف و روش‌های خود را مورد بازبینی و تغییر قرار دهد.
- **ایجاد تنوع در حرفه‌های انتخاب شده برای آموزش**
طبقه دومی که محتوای مصاحبه والدین در ذیل آن قرار می‌گرفت عبارت بود از این که والدین معتقد بودند که حرفه‌ها باید دارای تنوع باشند و دانش‌آموزان بتوانند بر اساس توانایی و علاقه خود در بین حرفه‌های موجود حق انتخاب داشته باشند (۵۰٪) آنان تصور می‌کردند که این تنوع به دانش‌آموزان فرصت‌های بیشتری را برای جایگزینی در جامعه و کارایی خواهند داشت.
- **حضور والدین در کارگاه آموزشی**
والدین مایل بودند که در برنامه‌های آموزش حرفه‌ای جاری در مؤسسه حضور داشته باشند. اما این مشارکت در برنامه با درخواست مؤسسه و تعریف آنان از حضور والدین متفاوت است. مؤسسه مایل است که والدین در نقش مدیر و ناظر برنامه‌های آموزش حرفه‌ای فعالیت کنند اما والدین معتقد هستند که مشارکت آنان در برنامه آموزش حرفه بهتر است به شکل برگزاری جلسه‌های منظم با کارکنان و مربیان کارگاه آموزشی باشد.
- **فعالیت‌های فوق برنامه**
بسیاری از والدین معتقد بودند که فعالیت‌های فوق برنامه باید گسترش یابند و آموزش مهارت‌های تحصیلی مانند خواندن، نوشتن و محاسبات عددی را نیز تحت پوشش خود قرار دهد.
- **تشکر از کوشش‌های انجام شده توسط مؤسسه مورد نظر**
به عنوان یک سنت ایرانی، بخش قابل توجهی از گفتار والدین در ارتباط با تشکر و قدردانی از فعالیت‌های انجام شده توسط مؤسسه مورد نظر بود (۱۰۰٪) اما آنان معتقد بودند که این تنها آغاز راه است و مؤسسه باید اهداف و روش‌های خود را مورد بازبینی و تغییر قرار دهد.
- **بحث و نتیجه‌گیری**
یافته‌ها نشان می‌دهند که میان دیدگاه والدین و دیدگاه برنامه‌ریزان آموزش حرفه‌ای در مؤسسه مورد

پیشنهادات والدین برای ایجاد تغییر در برنامه عبارت بودند از؛ نشان دادن انعطاف بیشتری در طول دوره آموزش افزایش طول دوره آموزش و منطبق کردن آن با توانمندی و ناتوانایی‌های دانش‌آموزان. به اعتقاد آنان در نظرگیری یک زمان خاص باری تمام آنها نمی‌تواند برنامه ریزی مناسبی باشد. اضافه کردن فعالیت‌های فوق برنامه بیشتری به برنامه‌های آموزش حرفه‌ای و توجه به موضوعات درسی و فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان نیز از دیگر خواسته‌های آنان به شمار می‌رود.

محدودیت

یکی از محدودیت‌های اصلی این بررسی عدم آگاهی از دیدگاه‌های واقعی برنامه‌ریزان فعالیت‌های آموزش حرفه‌ای در این مؤسسه بود. به دلایلی عدم امکان انجام مصاحبه با برنامه‌ریزان، فعالیت‌های جاری و گاه اهدافی مبهم که این فعالیت‌ها دنبال می‌کردند به عنوان اهداف اصلی برنامه در نظر گرفته شدند و اهداف به صورت مکتوب و مشخصی از جانب مؤسسه در اختیار پژوهشگر قرار نگرفت.

مطالعه، عدم توافق آشکاری وجود دارد. تنها نکته مورد توافق در نظرگیری فعالیت‌های ساده و تکراری به‌عنوان حرفه‌ای مناسب برای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و نیز افزایش میزان حضور این گروه از دانش‌آموزان در برنامه‌های اجتماعی و مکان‌های عمومی به صورت مستقل است.

بسیاری از والدین معتقد بودند که فعالیت‌های فوق برنامه باید گسترش یابند و آموزش مهارت‌های تحصیلی مانند خواندن، نوشتن و محاسبات عددی را نیز تحت پوشش خود قرار دهد

از دیدگاه والدین دانش‌آموزی در برنامه آموزش حرفه‌ای موفق در نظر گرفته می‌شود که توانایی انجام فعالیت‌های ساده و تکراری مانند مونتاژ قطعات مختلف را کسب کرده باشد و در مکان‌های عمومی قادر باشد به طور مستقل حضور داشته باشد و در نهایت قادر باشد که حرفه‌ای را بر اساس توانایی خود در سطح قابل قبول انجام دهد. والدین بر این امر باور دارند که برنامه‌های آموزش حرفه در این مرکز خاص باید تغییر کند.

زیرنویس‌ها :

1. Hakim
2. Weinblatt
3. Findley
4. Early
5. Livelli
6. Rutherford
7. Community-based vocational program
8. Frank
9. Singleton
10. Rutherford
11. Livelli
12. Bryman
13. inductive
14. constructionist
15. Interpretive
16. Sattler

منابع :

- بهراد ، بهنام و شهرامی ، علی (۱۳۷۹) فرایند ارزیابی حرفه ای. راهنمایی برای ارزیابی غیر رسمی دانش آموزان مبتلا به کم توانایی هوشی. پژوهشکده کودکان استثنایی. تهران.
- بهراد ، بهنام (۱۳۸۲) آموزش حرفه ای برای دانش آموزان مبتلا به کم توانایی هوشی. پژوهشکده کودکان استثنایی. تهران.
- سازمان بهزیستی کشور، دفتر آموزش و تحقیقات. (۱۳۶۹) مروری بر موانع اشتغال و جایگزینی معلولین در ایران. تهران.
- سازمان بهزیستی کشور ، دفتر حمایت از تحقیقات. (۱۳۶۶) گزارش بررسی وضعیت اشتغال و اثر آموزش منابع انسانی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳. گزارش ملی. تهران.
- Bryman, Alan (1988). *Quality and Quantity in Social Research*. London:Unwin Hyman.
- Early, Mary Beth (2000) *Mental Health Concepts and Techniques for the occupational Therapy Assistant*. 3rd Edition. Lippincott Williams and Wilkins.
- Findley, william Louis (1967) *A Follow-up of the financial Assets and Liabilities of Mentally Retardation youth as Related to the cost of Vocational Training in four public School system*.
- Frank, A.R. and Singleton, P.L., (2000). Young Adults with mental disabilities—Does transition planning make a difference?. *Education and Training in Mental Retardation and Developmental Disabilities* 35, pp. 119–134
- Grover, Herbert J. (1991) *Parental Involvement in Vocational Education of Special Needs Youth*. Wisconsin Department of Public Instruction, Bulletin No. 92542.
- Hakim, Simon, and Weinblatt, J.(1993) *The Delphi process as a tool for decision making. The case of vocational training of people with handicaps. Evaluation and program planning*, Vol. 16 pp. 25-38.
- Jupp, Sheila (1993) *Working with the Parents of Children who have Severe Learning Difficulties. Innovations in Educating Children with Severe Learning Difficulties*. Lancashire: Lisieux Hall, Whittle-le-Woods, Chorley. Pp 49- 60
- Kirwan, B., & Ainsworth, L. K. (1992). *A guide to task analysis*. London: Taylor & Francis
- Lehmann, J.P.(1998) *Mother's roles: A comparison between mothers of adolescents with severe disabilities and mothers of vocational students. Career Development for Exceptional Individuals* 21 (2), 129-143
- Livelli, Paul (1998) *Community based vocational training for students with significant disabilities model: leadership and initiation. Journal of Vocational Rehabilitation* 13 (45-49)
- Merrill, P.F. (1982) *Structured outline representation for procedures or algorithms. The technology of text*. Englewood Cliffs, NJ: Educational Technology Publication, Inc
- Sattler, Jerome M.(1992)*Assessment of Children: revised and updated. Third Edition*. San Diego. Jerome M. Sattler, Publisher, Inc.
- Taylor, F.W. (1911) *The Principles of scientific management*. New York: Harper &Row
- Way, W.L. & Rossman. M.R. (1996). *Family matters in school-to-work transition*. National Center for Research in Vocational Education. University of California: Berkeley, CA.
- Wershing, A , Gaylord-Ross, C. and Gaylord-Ross R. (1986) *Implementing a community based vocational training model: A process for system change , Education and Training of the Mentally Retarded* 21, 130-136.